

Judicial practice in combating and preventing torture with a view to domestic documents and the Declaration of Islamic Human Law and International Documents

Abstract

In the contemporary world, despite the development of human rights principles and the efforts of international institutions and organizations to protect individuals from immoral and inhumane behavior in the process of arrest and detention, we are witnessing human rights violations, ie torture by government officials who are arrested with dignity and dignity. There are two basic questions. One: Can the scientific process of crime detection and investigation, taking into account other aspects such as the competence of interrogators and the use of appropriate day-to-day equipment, be effective in eliminating or reducing torture? Two: Is it? Adoption of criminal policy in the field of legislation and implementation in accordance with international documents is effective in eliminating or reducing this criminal phenomenon? The research method is based on the study of domestic and international documents and the impact of service experiences in law enforcement. In general Success in adopting a criminal policy of preventing and combating crime Torture can be considered as having four main components. 1- Scientific process of crime detection 2- Competence of interrogators 3- Establishment of judicial oversight and health institution 4- Eliminating ambiguities and shortcomings in domestic law and aligning with international law and documents, then changing the structure of the police and the judiciary and changing the legislator's attitude towards the phenomenon of the crime of torture can eliminate or reduce the crime of torture in the investigation process

Keywords: Torture, Judgmental procedure, Criminal Policy, Declaration of Islamic Human Rights, Prevention

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱ صص ۲۲۰۳-۲۱۸۲
 رویه قضایی مقابله با شکنجه و پیشگیری از آن با نگرش به اسناد داخلی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

احسان نظری (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۵

فیروز محمودی جانکی^۲

شهلا معظمی^۳

چکیده:

در جهان معاصر علی‌رغم توسعه مبانی حقوق بشری و تلاش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر مصونیت اشخاص از رفتارهای غیر اخلاقی و غیر انسانی در فرایند دستگیری و بازداشت شاهد نقض حقوق انسانی یعنی اعمال شکنجه توسط ماموران دولتی هستیم که کرامت و شان دستگیرشدگان و بازداشت‌شدگان را مورد تعرض قرار داده است. دو سوال اساسی مطرح است یک: آیا فرایند علمی کشف جرم و رسیدگی بالحاظ نمودن سایر جوانب مانند صلاحیت ماموران بازجو و استفاده از تجهیزات مناسب روزمی تواند در حذف یا کاهش شکنجه موثر باشد؟ دو: آیا سیاست جنایی در حوزه تقنینی و اجرای متناسب با اسناد بین‌المللی در حذف یا کاهش این پدیده مجرمانه موثر است؟ روش تحقیق بر اساس مطالعه اسناد داخلی و بین‌المللی و تأیید دادن تجربیات حاصل از خدمت در دستگاه انتظامی انجام شده است. به طور کلی توفیق در زمینه اتخاذ سیاست جنایی پیشگیری و مقابله با جرم شکنجه را می‌توان مستلزم اهتمام به چهار مولفه اصلی دانست ۱- فرایند علمی کشف جرم ۲- صلاحیت ماموران بازجو ۳- تاسیس نهادهای نظارت و سلامت قضایی ۴- رفع ابهام و نواقص قوانین داخلی و همسویی با قوانین و اسناد بین‌المللی سپس تغییر در ساختار پلیس و دستگاه قضایی و تغییر نگرش مقنن نسبت به پدیده جرم شکنجه می‌تواند موجب حذف یا کاهش جرم شکنجه در فرایند تحقیق و رسیدگی گردد.

کلیدواژه‌ها: شکنجه، رویه قضایی، سیاست جنایی، حقوق بشر اسلامی، پیشگیری

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران پردیس بین‌المللی واحد کیش

ehsan.nazri1344@gmail.com

^۲ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران f.mahmoudi49@gmail.com

^۳ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران Sshalamoazami@gmail.com

شکنجه یکی از منفورترین جلوه‌های تعرض به کرامت ذاتی و حیثیت بشری است که نتیجه آن صدمات جسمی و روحی به قربانی بوده که علاوه بر مختل شدن زندگی آثار و عواقب جبران ناپذیری را در پی دارد. این رفتار غیرانسانی در ادوار مختلف تاریخی دیده شده است و حتی در دوره‌های باستان و میانه بعنوان حق مشروع حاکمیت تلقی شده است که بنا به ساختار اجتماعی آن دوران این رفتار طبیعی و عادی تلقی گردیده است اما مطلب اساسی و مورد بحث این است که در دوره معاصر و حاکمیت قانون در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و ارتقاء سطح فرهنگی اجتماع و عدم توجیه عقلانی، منطقی، ایدئولوژی، جامعه‌شناختی، روانشناختی و... شکنجه چرا این رفتار خلاف کرامت بشری را شاهد هستیم از طرفی دیگر با وجود مقررات داخلی و قوانین بین‌المللی و تقید دولت‌ها به این قوانین باز هم در بعضی موارد مصادیق شکنجه در آزار و اذیت جسمی و روحی، رفتارهای سلبی، دیده می‌شود در صورتی که در شرایط فعلی اصل بر ممنوعیت مطلق شکنجه می‌باشد. در گذشته مسئله شکنجه معطوف به تحقیقات مقدماتی بود. امروز این پدیده مجرمانه می‌تواند در مواردی هم مانند حالت انتظار محاکمه و انتقال به زندان و جابجایی و حتی در دوران محکومیت دیده شود.

مسلماً شکنجه از جمله زشت‌ترین رفتار نسبت به انسانهاست که تحت هیچ توجیه و عنوانی و به هیچ بهانه‌ای پذیرفته نمی‌شود حقوق اساسی و حیاتی انسانها در زمره قواعد آمره است که حتی در تعارض با دیدگاه سنتی نسبت به دولت‌ها از باب مصونیت مطلق بایستی اولویت به قواعد آمره داده شود. شکنجه پدیده‌ی مجرمانه در حوزه حقوق کیفری است و رفتاری غیرانسانی که برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات از متهم یا سایر اشخاص در فرایند رسیدگی به کار گرفته می‌شود. که در شرع و قانون اساسی منع گردیده و در حقوق کیفری به ویژه قانون مجازات اسلامی و قانون اساسی (اصل ۳۸) جرم انگاری شده است همچنین در قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی مصادیق شکنجه را بیان نموده است. و به صراحت اطلاعات مکتسبه را فاقد ارزش و اعتبار قانونی و اثباتی دانسته است که ضمن بیان موضوع در حقوق داخلی به ایراد اشکالات آن نیز خواهیم پرداخت. و در اسناد منطقه‌ی بین‌المللی نیز شکنجه منع گردیده است و حتی تاکید گردیده که دولت‌ها از اعمال شکنجه خودداری نمایند و در این اسناد نیز اطلاعات کسب شده از طریق شکنجه را فاقد اعتبار دانسته است. امروزه میانی انگاری جرم شکنجه، های کنوانسیون بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مشقات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا موهن مصوب ۱۹۸۴ است

اهمیت پرداختن به موضوع امری بدیهی است زیرا که در شرایط کنونی بحث حقوق بنیادی و اساسی بشری از چنان جایگاهی برخوردار است که عمده تحولات نظام کیفری چه در حوزه داخلی کشورها و چه در حوزه جهانی به تنظیم قواعد و مقرراتی برای رعایت بیشتر حقوق بشری معطوف شده است. بانگرش بر تحولات تاریخی گرایش دولت‌ها در جهت احترام به حقوق ملت‌ها تحت تاثیر مطالبات مردمی

و همچنین تضمینات حقوق بشری ناشی از تمهیدات بین المللی باعث شده است که اقتدار و اختیارات بی حد و حصر گذشته ها حاکمیت ها که نوعی مصونیت مطلق بویژه در تعرض به حوزه حقوق افراد را در برداشت شدت کاهش یافته و ناگزیر روش های پیشگیرانه در سیاست جنایی در جلوگیری از جرم شکنجه پیش بینی و ابزار لازم بکار گرفته شود.

۱- شکنجه و ویژگی های آن

شکنجه بعنوان مفهومی قدیمی در مطالعات عدالت کیفری همواره مورد توجه حامیان حقوق بشری عدالت جنایی بوده است گرچه در مطالعات سنتی، شکنجه در روند تحقیقات مقدماتی مورد مطالعه قرار می گرفت اما امروزه توجه به این مفهوم در تمامی مراحل فرآیند کیفری صورت می گیرد (کی هاگینز، ۱۳۸۱، ص ۴۲۷)

شکنجه توسط افراد، گروه ها و دولت ها در طول تاریخ از زمان های باستان تا امروز انجام شده یا مورد تایید قرار گرفته است، و شکل های شکنجه می توانند از چند دقیقه تا چند روز یا بیشتر از نظر مدت زمان بسیار متفاوت باشند دلایل شکنجه می تواند شامل مجازات، انتقام، اخاذی، ترغیب، آموزش مجدد سیاسی، بازدارندگی، اجبار قربانی یا شخص ثالث، بازجویی برای استخراج اطلاعات یا اعتراف صرف نظر از اینکه دروغ باشد یا صرفاً رضای سادیستی آن افراد باشد.^۱

ابتدا لازم است مفهوم لغوی و اصطلاحی شکنجه را بیان نمود. و سپس ارکان بزه را مورد بررسی قرار دهیم از نظر لغوی شکنجه به معنی آزار، مکر، فریب، اذیت کردن می باشد (زعفرانچی، آموزگار، ۱۳۷۰، ص ۵۵۱)

پس جرم شکنجه نیز مانند سایر جرایم دارای ارکان مشخصی است که همچون جرایم دیگر مشمول تعریف جرم ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) می گردد که در آن اشاره به هر نوع رفتاری از فعل یا ترک که در قانون برای آن مجازات لحاظ شده است

یکی از ارکان مشخصه جرم شکنجه مرتکبین اینگونه جرایم هستند که بنوعی بواسطه رابطه کاری یا شغلی با متهمین یا مجرمین برخوردارند. متأسفانه در قوانین مابنه تعریف شکنجه اشاره نشده است و صرفاً به نتایج حاصل از آن توجه گردیده است. لذا اولین نقص موجود در قوانین جاری و قانون اساسی عدم بیان و تبیین مفهوم شکنجه است قانون اساسی در اصل ۳۸ به شکنجه اشاره شده است با این عنوان: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار به شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود (قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اصول ۳۹ و ۳۸)

¹ - Beers, Mark H., & Berkow, Robert, The Merck Manual of Diagnosis and Therapy, Kenilworth, NJ: Merck & Co., 1999. "United Nations Treaty Collection". United Nations. Retrieved 7 October 2010.

ملاحظه می‌شود که در قانون اساسی که به عنوان میثاق حقوق سیاسی و مدنی کشور شناخته شده است تعریفی از شکنجه ارائه نگردیده است و در این قانون نیز به تبعات ناشی از عمل یا ترک عملی اشاره است که فاقد هرگونه تعریفی است و در سایر قوانین بویژه قوانین کیفری نیز همین رویه دیده می‌شود در ماده ۱۶۹ آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۴) ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۴) بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ماده ۵۸۷ و ماده ۶۰ منشور حقوق شهروندی و بند (۹) ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به جرم شکنجه اشاره شده است تنها در دو مورد اخیر یعنی حقوق شهروندی و ماده واحده آن به مصادیقی از عمل شکنجه پرداخت شده است در هر صورت تعریف مشخصی از موضوع ارائه نشده است. برخی با استناد به این اسناد به ویژه کنوانسیون منع شکنجه، تحمیل هر گونه رنج و عذابی را در قابل مجازات و حتی با فقدان عنصر معنوی یعنی داشتن انگیزه اخذ اقرار، شکنجه می‌دانند و ایادی این امر را به نقض حقوق بشر متهم و محکوم می‌کنند.

اما با ملاحظه اسناد بین‌المللی و بویژه کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای ظالمانه مفهوم و منطوق شکنجه بیان گردیده است. در ماده اول این سند بین‌المللی شکنجه را چنین تعریف نموده است: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود شیر اسناد شکنجه نام دارد (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا به رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام می‌گردد شکنجه تلقی می‌گردد.^۱

ملاحظه می‌گردد که در این ماده مفهوم شکنجه دامنه گسترده‌ای را از نظر مصادیق و همچنین مرتکبین دربر می‌گیرد از نظر مصادیق علاوه بر رفتار ارادی اعمال تبعیض و حتی تحریک و ترغیب را از جمله موارد بیان نموده است اما آنچه که مطمح نظر است شکنجه بعنوان رفتاری که توسط مأموران دولتی بطور مستقیم یا غیر مستقیم یا اعمال ایجابی یا سلبی صورت می‌پذیرد و بطور خلاصه می‌توان برای جرم شکنجه ارکان ذیل را بیان نمود. ۱- وجود عناصر قانونی جرم که در قوانین به مجازات آن اشاره شده ۲- عنصر مادی جرم که علاوه بر آن ارتکاب فعل یا ترک فعل رانیز می‌تواند در بر داشته است ۳- وجود قصد و اراده در مرتکب جرم یعنی سوء نیت عام و خاص. ۴- اعمال جرم توسط مأمورین دولتی یا با رضایت و عدم مخالفت آنها. ۵- جرم شکنجه بعنوان جرم خاص بواسطه انتصاب مأمورین دولت به حاکمیت است. ۶- گستره مصادیق آن به انواع رفتارها قابل استناد است.

1- Unconvtion Against Torture (Uncat)

^۱ - ماده اول کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن غیر انسانی یا تحقیر کننده (محموب ۱۹۸۴)

هرچند قانونگذار در قوانین موضوعه (قوانین داخلی) به تعریف جرم شکنجه پرداخته است لکن با توجه به مواد قانونی و عناصر لازم در تکوین این جرم می‌توان گفت: شکنجه عبارت است از تحمیل عمد و غیر قانونی درد و رنج مستمر روحی یا جسمی بردیگری به منظور کسب اطلاع یا اخذ اقراریه وسیله یا به دستور مأموران یا مستخدمین دولتی انجام می‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۱ ص ۱۳۰ مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز - جرم شکنجه در حقوق)

۲- سیاست جنایی و کیفری نظام قضایی ایران در برخورد با شکنجه

از سیاست جنایی تعاریف متعددی بعمل آمده است اما لازم است تفاوت سیاست جنایی را با سیاست کیفری بیان نماییم زیرا آنچه که مد نظر است و حوزه ی بحث را شامل می‌شود سیاست کیفری است. در این مورد سیاست کیفری مفهومی خاص دارد و می‌توان آن را پل ارتباطی بین حقوق جزا و جرم شناسی دانست (ساوالانی، ۱۳۹۰، صفحه ۲، تغییرات درس حقوق جزای عمومی) سیاست جنایی یعنی سلسله تدابیری که جامعه برای پیشگیری از جرم اتخاذ نموده است (یاوالانی، همان منبع)

در تعریف سیاست جنایی می‌توان گفت: سیاست جنایی عبارت است از اتخاذ روشهای کیفری و غیر کیفری برای پیشگیری از جرم که در حقیقت تفاوت آن با سیاست کیفری را می‌توان دامنه شمول این دو مقوله دانست زیرا که سیاست کیفری در حیطه قوه قضاییه و سازمانهای وابسته به آن است که حالت خاص دارد ولی سیاست جنایی علاوه بر قوه قضاییه شامل دولت و سازمانهای وابسته به آن می‌باشد که حالت کلی و عام دارد (نگارنده)

سیاست جنایی یعنی اداره و مدیریت پدیده جنایی مرکب از بزه و انحراف را می‌توان به دایره ای تشبیه کرد که کانون آن را حقوق کیفری یعنی حقوق کیفری عمومی و اختصاصی و آیین دادرسی کیفری تشکیل می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت که سیاست جنایی بر آید تعامل مقوله ها و دستاوردهای علوم حقوقی، علوم سیاسی و علوم جنایی تجربی است که بر پایه نوع تعامل بیان آنها مدلسازی می‌شود رسالت نهایی سیاست جنایی تضمین امنیت اجتماعی در برابر رفتارها و اعمال مغایر با هنجارهای حقوقی و اجتماعی همراه با رعایت حقوق و آزادی های مشروع اعضاء جامعه است تامین امنیت جانی، مالی، شهروندان در برابر بزهکاران همراه با تامین و تضمین امنیت حقوقی - قضایی آنان در برابر کنشگران دولتی و نهادهای عدالت کیفری تعریف می‌شود اصطلاح سیاست جنایی که عموماً به کتاب استاد آلمانی فرنر باخ در سال ۱۸۰۳ منتسب می‌شود مدت ها با جنبه های نظری و عملی نظام کیفری مترادف ماند (ابرنر آبادی، ۱۳۹۳ ص ۴۷ و ۶۰ و ۶۹، برگردان نظام های بزرگ سیاست جنایی می‌ری دلمانن مارتی)

اما سیاست جنایی مقابله با شکنجه را می‌توان در حوزه ی پیشگیری کیفری و غیر کیفری مورد بررسی قرار داد.

یکی از این حوزه‌ها پیشگیری وضعی و تقنینی از جرم شکنجه است. حق مصونیت از شکنجه به عنوان یکی از حقوق غیرقابل سلب شناخته می‌شود. از این روتلاش برای مبارزه با جرم شکنجه از جایگاه حقوقی و فرهنگی شایسته‌ای برخوردار است.

بنابراین اولین گام در حوزه سیاست جنایی مقابله با شکنجه تدوین قوانین مناسب و ضمانت‌های کیفری موثر و بازدارنده در برخورد با شکنجه است. در سیاست کیفری بررسی جرم شناختی این جرم کمک موثری برای عدالت کیفری بین‌المللی در مقابله آگاهانه با آن‌ها و نیز دستیابی به سیاست جنایی بین‌المللی موثر در پیشگیری از این گونه جرایم خواهد بود (حاجی ده آبادی، ۶۴) با نگرش به تعریف بیان شده می‌توان سیاست جنایی را در واقع در حوزه‌های مختلفی علاوه بر دستگاه عدالت، شامل دولت و سازمان‌های وابسته به آن دانست و به مفهومی بهتر سیاست جنایی تدابیر پیشگیرانه کیفری و غیر کیفری می‌باشد. (نگارنده)

در نظام قضایی ایران بر اساس مبانی فقهی و همچنین اصل ۳۸ قانون اساسی^۱ جمهوری اسلامی ایران اصل بر ممنوعیت شکنجه بطور کلی و عام بوده است و اطلاعات مکتوب به این روش ازارزش قانونی برخوردار نیستند. متأسفانه نظام کیفری ایران به نحو شایسته‌ای مفاد اصل ۳۸ قانون اساسی را مورد حمایت کیفری قرار داده است. عدم مشمول عنوان مجرمانه نسبت به شکنجه‌های روحی، عدم تعیین مدرک دقیق از جهت نوعی بودن یا شخصی بودن فعل منتج به شکنجه محدود نمودن امکان تحقیق جرم نسبت به متهمین و محدود نمودن امکان تحقق جرم نسبت به کسانی که با انگیزه اقرار اقدام به تعدیب دیگران می‌نمایند (حاجی ده آبادی، احمدی، صمصامی، ص ۲۸، تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه) در سایر قوانین مانند آیین دادرسی کیفری منشور حقوق شهروندی قانون مجازات اسلامی که قبلاً به آنها اشاره شده است ممنوعیت شکنجه و برخورد با این رفتار خلاف موازین پیش‌بینی شده است. مصونیت از شکنجه بعنوان یکی از حقوق غیرقابل سلب شناخته می‌شود در اصل ۳۸ قانون اساسی شکنجه بطور مطلق ممنوع اعلام شده است از این روتلاش برای مبارزه با شکنجه از جایگاه حقوقی و فرهنگی شایسته‌ای برخوردار است در میان روش‌های غیر سرکوبگرانه پیشگیری وضعی همچون رویکردی کاربردی و دارای نتایج قابل رویت شناخته می‌شود. اتخاذ تدابیر در این زمینه مانند افزایش دشواری ارتکاب جرم، دسترسی سریع متهم به مقام قضایی حذف توجیه‌کننده‌ها مانند کاستن ازارزش اثباتی اقرار - کاهش منابع حاصل از جرم مانند بطلان اطلاعات بدست آمده از راه شکنجه، افزایش خطر ارتکاب جرم مانند حضور و کلا در مراحل اولیه فرآیند دادرسی و نظارت ویدئویی بازجویی موثر هستند. (شیدائیان، الحاقی، رجایی، ۱۳۹۷، صفحه ۸۹-۱۲۳)

^۱ - اصل ۳۸ قانون اساسی: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع نموده است اجبار شخص به این شهادت به اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

شکنجه از مهمترین جرایم علیه حقوق بشر می باشد مبنای عدم شروعیات این عمل چه از لحاظ تعالیم مکتب اسلام و چه از لحاظ قواعد حقوق بشر توهین به کرامت و شرافت انسان است نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تمام ممنوعیت مطلق شکنجه را مورد پذیرش قرار داده است. (حاجی آبادی، احمدی، صمصامی، ۱۳۹۴، صفحه ۷)

حق آزادی از شکنجه یا حق رهایی از شکنجه نیازمند اتخاذ سیاست جنایی دقیق درست و پیشگیرانه می باشد که با بررسی متون حقوقی و قوانین موجود انتظار فوق بر آوردن گردیده است و چرا اصل ممنوعیت مطلق شکنجه اجرایی نشده است رومی توان ناشی از دوگانگی در سیاست جنایی دانست که بطور خلاصه می تون آن را بدین شرح بیان داشت. سیاست جنایی دولت در بخش تقنینی فقط به آثار شکنجه پرداخته است و در این حوزه تقنینی هم شاهد نبود تعریف از موضوع، عدم یکنواختی حتی قوانین از جنبه شمول مصادیق و موارد دیگری هستیم علی الرغم ممنوعیت مطلق شکنجه، با اختلاط بحث تعزیر^۱ و شکنجه این اصل از جهت پذیرش مطلق دچار مسامحه گردیده است و همین عامل باعث عدم تصویب لوایحه مربوط به ممنوعیت مطلق شکنجه و عدم الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین المللی منع شکنجه و رفتارهای خشن گردیده است بنابراین سیاست جنایی مقابله و پیشگیری از شکنجه حالت دوگانگی داشته است که این حالت نمی تواند در عرصه داخلی و در هماهنگی با سیاستهای بین المللی از کارآمدی موثر در مقابله با شکنجه برخوردار باشد (نگارنده) می توان چنین استنباط نمود که نظر به جایگاه و ارزش انسان در کره خاکی که بعنوان اشرف مخلوقات شناخته شده است و قرآن کریم منزلت و جایگاه خاصی برای او قایل شده است و از طرفی اجتماع فقها بر احترام به حریم انسان ها و اجتناب از هرگونه تعرض و تجاوز به حقوق آنان و هر نوع آزار و اذیت می باشد لذا این ممنوعیت مطلق هیچگونه توجیهی چه شرعی و چه قانونی را نمی پذیرد زیرا که رسالت دین اسلام بر توسعه مکارم اخلاقی و حفظ جایگاه و منزلت انسانی است خداوند بنا به جایگاه ارزشمندی که برای انسان قائل شده است ارتکاب هرگونه آزار و اذیت نسبت به انسان را نهی نموده است حتی اگر شخص دستگیر شده از دشمنان و متجاوزین باشد و روایات موجود از پیامبر (ص) و ائمه اطهار نیز حکایت از این عمل دارند ولی در برخی از موارد بعضی از فقها قایل به جواز شکنجه هستند در واقع نظر آنان در مقابل حرمت است که شکنجه را نهی نموده است بعضی با توجیه دفع افسد خطر شدید متوجه جامعه و باینکه در مواقعی که دلایل اثبات جرم برای مجازات افراد شرور و بدکار که جرمشان قابل اثبات نیست قایل به شکنجه می شوند.

^۱ - تعزیر، مجازاتی است که معمولاً بعد از اثبات جرم و به حکم مقام قضایی اجرا می شود بنابراین به بهانه دفع افسد به فساد، حفظ نظام، در تراحم بین اهم و مهم هرگونه آزار و اذیت نسبت به متهم یا مجرم یا اشخاص ثالث یا شهود شکنجه است.

شکنجه از بعد اخلاقی هم قابل توجه نمی باشد و هیچ زمانی اخلاق جواز چنین رفتار غیرانسانی تایید نموده است من معتقد هستم که شکنجه تقریباً همیشه از حیث اخلاقی غلط است و به دلایل اخلاقی باید مطلقاً در قانون ممنوع شود. عموماً شکنجه به منظور اعتراف گرفتن، ترساندن افراد مرتبط با قربانی، مجازات مجرمان احتمالی و حتی برای خوش آمد و سرگرمی افراد دیگر آزار و شرور انجام می شود. این استفاده همواره غیر اخلاقی است به دست آوردن اطلاعات مهم تنها مورد استفاده شکنجه است که ممکن است اخلاقاً توجیه شود اما حتی وقتی که شکنجه برای به دست آوردن اطلاعات استفاده می شود قابل توجه نیست معمولاً شکنجه گران افرادی مجرم هستند که در حضور افراد نا عادلانه فعالیت می کنند. (گری گارتینگ، ۱۳۹۴: نیویورک تایمز)

امادرکل می توان گفت: که سیاست جنایی نظام کیفری جمهوری اسلامی بر اساس اصول شرعی و قانونی قاعده ممنوعیت مطلق شکنجه و اینکه جرم تلقی شدن آن را پذیرفته است و در راستای اصل ۳۸ قانون اساسی ضمن مجرمانه تلقی شدن عمل و تعیین مجازات، دستاوردهای ناشی از این عمل مجرمانه را نیز باطل دانسته است و در حوزه قانونگذاری و اجرایی نیز تضمین های مهمی را برای برخورد با این رفتار مجرمانه را پیش بینی نموده است که بایست به کنوانسیون های مربوطه می تواند در جهت حذف این پدیده ی مجرمانه و پاکاهش آن گامی برداشته شود ولی همانطوریکه قبلاً بیان شد کم و کاستی هایی وجود دارد که بایستی بنحو مقتضی رفع گردد.

از جنبه های مهم و تاثیرگذار در سیاست جنایی بررسی قوانین داخلی در سیاست جنایی تضمین است بدین مفهوم که آیا شاخص های مهم تضمینی، حکمیت گرایی، شفاف سازی، رفع ابهامات و انطباق با نیازهای پروسه دادرسی وجود دارد؟ و اینکه راه کارهای مناسب کاربردی در روند بررسی و تحقیق پیش بینی شده است؟ ضمانت های قانونی مناسب و مؤثر دیده می شود؟

اصل ۳۸ قانون اساسی مهمترین اصل در مورد شکنجه است که تاحدودی با اسناد بین المللی مطابقت دارد متعهدار این اصل نیز بنظر می رسد که مصداق شکنجه رفتارهای ایجابی است و اعمالی که جنبه سلبی یا محرومیت شخص توقیف شد یا بازداشت شده مانند فشار روانی از طریق اعمال فشار به خانواده زندانی یا نگهداری او در محلهای پر سر و صدا را شامل نگردد

در ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات نیز که بیان می دارد «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه از دست و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت»

با دقت در ماده ۵۷۸ ملاحظه می شود صرفاً به آزار و اذیت جسمی پرداخته است در صورتیکه مصداق شکنجه بیشتر از آزار روحی و روانی است که در اینجا مغفول مانده است در ثانی دامنه شمول را فقط

در مورد متهمین ذکر شده است در صورتیکه این عمل می‌تواند در خصوص مجرمین نیز بکار گرفته شود ثالثاً در خصوص این رفتار نسبت به اشخاص ثالث، شهود و مطلعین مطلبی بیان نشده است و این در حالی است که شکنجه می‌تواند بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر خود را نسبت به متهمین یا مجرمین داشته باشد در ماده ۵۸۷ همین قانون نیز اشکالات اشاره شده از جهت عدم ذکر شکنجه روحی دیده می‌شود در ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ موضوع به نحو بهتری بیان شده است و اشاره به اقرار تحت شکنجه (اذیت و آزار روحی) دارد که تا حدودی رسایی قانون را در این زمینه بیان می‌دارد. اما در اینجا نیز شکنجه در خصوص اقرار دیده شده است که می‌تواند غیر از متهم و مجرم اجبار به شهادت، شهود، مطلعین یا اشخاص ثالث را نیز شامل گردد با بررسی سایر قوانین بنظر بهترین تعریف و مصداق قانونی که شمول کلی دارد در منشور حقوق شهروندی در ماده ۶۰ بیان شده است که عنوان می‌دارد (شهروندان اعم از متهم محکوم، قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی آنان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه‌ای به شان، حرمت و کرامت انسانی آنها وارد گردد هرگونه رفتار غیر قانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی اجبار به ادای شهادت یا ارایه اطلاعات، رفتار یا تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست» تنها نکته قابل تامل در این ماده این است که مصادیق شکنجه را تا حدودی به هم آمیخته شده است که بعنوان نمونه می‌توان خشونت کلامی یا گفتاری از جمله مصادیق شکنجه دانست اگر بنحوی تنظیم می‌گردید که این مصادیق دسته بندی و تفکیک و در عنوان مجرمانه خاص خود طبقه بندی می‌گردید مطلوبتر بنظر می‌آید در هر صورت بانگش به آن می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف قابل قبولتر دانست. با بررسی و تامل در قوانین ذکر شد ضرورت تطبیق قوانین عادی در حوزه‌های مختلف قانون اساسی قانون مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری، منشور حقوق شهروندی احساس می‌گردد که ضمن رفع خلاء موجود در مورد تعریف شکنجه و بیان مصادیق آن و دامنه شمول نسبت به اشخاص، مقررات قانونی بنحوی تدوین شدند که این تفاوت‌ها و اشکالات بر طرف گرد و تنها پرداختن به مجازات شکنجه کافی به مقصود نمی‌باشد.

۳- نگرش بر اسناد داخلی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اسناد بین المللی

در قرآن کریم بزرگترین منبع اعتقادی مسلمانان در آیات خاص بنا به شان نزول به موضوع شکنجه مسلمانان پرداخته شده است و شکنجه گران را به عذاب الهی در دنیا و آخرت وعده می‌دهد که به نمونه هایی از آنها پرداخته می‌شود در سوره ۸۵ البروج و در آیات ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰

۱- منشور حقوق شهروندی مصوب (آذرماه ۱۳۹۵)

۲- ۴- قتل اصحاب الاخدود کشته باد صاحبان آن خندق (شاه کافر و ستمگر و یارانش که موان را در آتش خندق می‌انداختند)

به شکنجه مومنان توسط مخالفان اشاره شده است و رفتارهایی مانند شکنجه مسلمان و انداختن آنها در گودال آتش به خاطر اعتقاد به دین اسلام به تفضیل پرداخته است در این آیات رفتار و قیاحانه دشمنان مسلمانان که به شکل آزار و اذیت و شکنجه و انداختن در گودال و خندق های آتش، مورد نکوهش قرار داده و چنین اعمالی را شایسته عذاب و انتقام الهی در دنیا و آخرت دانسته است. از نظر فقهی نیز قاعده ممنوعیت مطلق شکنجه نسبت به متهمان و مجرمان نیز پذیرفته شده است در فقه از شکنجه تحت عنوان «التعذیب» ذکر شده است که به مفهوم آزار و اذیت و زدن است حال این رفتار برای تنبیه یا اجبار کسی برای انجام دادن کار می باشد و یا به عنوان دیگری که سبب صدمه جسمی یا روحی به اشخاص گردد.

پس از آشنایی با دیدگاه قرآن و فقه نسبت به شکنجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی و نگرش آن به موضوع می پردازیم در این اعلامیه همانند سایر اسناد بین المللی همچون کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، کنوانسیون افریقای حقوق بشر، منشور حقوق بشر میثاق حقوق مدنی و سیاسی کنوانسیون جهانی منع شکنجه و سایر اسناد، توجه خاص به حرمت انسانها و مصونیت کرامت ذاتی انسان شده است. اعلامیه حقوق بشر اسلامی که تحت عنوان اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا بصورت خاص اعلامیه قاهره از آن یاد می شود در پنجم اوت سال ۱۹۹۰ توسط سازمان کنفرانس اسلامی در شهر قاهره مصر تصویب شد این اعلامیه به جهت زمینه های فرهنگی و اعتقادی کشورهای مسلمان شکل گرفت و علت آن هم عدم لحاظ شرایط دینی و باورهای اسلامی در اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده این اعلامیه از یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ ماده تشکیل شده است.

سطر اعلامیه با ذکر آیه ۱۳ سوره حجرات شروع می شود که اشاره به خلقت یکسان بشر دارد و عدم تبعیض انسانها نسبت به یکدیگر در این آیه بهترین مردمان نزد خداوند پرهیزگارترین انسانها هستند^۱ در این اعلامیه کرامت انسانها بعنوان ودیعه ای الهی مورد تاکید قرار گرفته است آزادی و لغو هر نوع بردگی و بندگی به جز ستایش ذات اقدس الهی مورد توجه قرار گرفته است حقوق اساسی و آزادی از مرز

۵- النار ذات الوقود (اتشی شعله ور و سوزان)

۶- اذم علیها قصور (شکنجه گران در کنار آتش چند ناظر بودند)

۷- و هم علی ما یغفلون بالمومنین مشهود (آنان ناظر رفتار خود نسبت به مومنان بودند)

۸- ما نقموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید (و آنها بر مومنان هیچ عیب و ایرادی نگرفتند جز آنکه به خدای ایمان و او را می پرستیدند)

۱۰- ان الذین فتنوا المومنین و المومنت ثم لم یقوبوا فلهم عذاب الحریق (پس بی تردید کسانی که مردان و زنان مومن را شکنجه نمودند و توبه نکردند آنان در عذاب آتش سوزان جهنم خواهند بود)

۱- یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل متعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیهم خبیر (ای مردم بی تردید ما همه شما را از یک زن و مرد آفریده ایم و از یک پدر و مادر خلق کرده ایم و برای شما قبیله های کوچک و بزرگ قرار داده ایم تا همدیگر را بشناسید مسلما گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگار ترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است

حقوق الهی و غیره قابل انقطاع از وجود بشر هستند یعنی در این اعلامیه و در مقدمه آن تاکید بر اصل تساوی بشر در مقابل قانون عدم تبعیض بین افراد رعایت عدالت و سایر مفاهیم مترقی گردیده است و از بشر به عنوان خانواده ای واحد نامبرده است. ظلم به بشر و هر نوع تجاوز به حقوق انسانی ممنوع و مورد حمایت قانونی قرار گرفته است. در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر که یکی از اصول مترقی در جنگ و رفتارهای خصمانه است علاوه بر رعایت اصول انسانی و رفتار انسانی با اسرا و عدم برخورد با افرادی که در جنگ شرکت نداشته اند به عدم تخریب طبیعت و ساختمانها و تاسیسات پرداخته شده است. این ماده مشابهت فراوانی با کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی دارد. حتی ماده ۳ در باب حفاظت از زراعت و دامها و تاسیسات و ساختمانها و موسسات که در بند ب ذکر شده است نشان از اصول مترقی آن دارد.

در ماده ۱۱ اعلامیه نیز هر نوع رفتاری که اسباب ذلیل کردن یعنی خوار و پست نمودن یا به نوعی بهره کشی از انسان را با هر وسیله و به هر نوعی مانند نقض کرامت و حریت او را ممنوع نموده است. در ماده ۲۰ اعلامیه بصراحت اعمال غیر قانونی مانند دستگیری، محدودیت آزادی یا تبعید اشاره داشته است و در این مورد هر نوع اقدام بایستی برابر قانون و اصول آن انجام گردد به ممنوعیت شکنجه بطور مطلق پرداخته است. مفاد این ماده بر ممنوعیت شکنجه بدنی و روحی و رفتارهای حقارت آمیز یا منافی حیثیت انسانی تاکید نموده است و هرگونه اجبار شخص را برای انجام آزمایشات پزشکی یا علمی مجاز ندانسته است الا آنچه که برای حفظ سلامتی او نیاز می باشد.^۱

یا به تعبیری برای متهم باید آزادی کافی و متناسب وجود داشته باشد و تمام امکانات در اختیار او قرار گیرد تا بتواند از خود دفاع کند (آخوندی، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

با ملاحظه قوانین موجود در خصوص ممنوعیت مطلق شکنجه (قانون اساسی، قانون منع شکنجه ۱۳۸۱ قانون مجازات اسلامی - حقوق شهروندی - اعلامیه حقوق بشر اسلامی و سایر قوانین) علی رغم صراحت قانونگذار در جرم شناختن شکنجه شاهد نواقصی از جهت عدم تعریف شکنجه عدم تبیین ضمانت های حقوقی و عدم تطابق کامل قوانین موجود با یکدیگر هستیم که بنظر برای رفع ابهامات موجود و توجه بیشتر به کرامت انسانها و شخصیت آنان و تامین رسالت دستگاه عدالت در اجرای حقوق عام بازننگری در قوانین ضروری است.

حال به اسناد بین المللی در این مورد اشاره خواهیم داشت که تا چه اندازه جوابگوی خواسته و نیاز بین المللی هستند و مهمترین سند موجود در این مورد کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و یا مجازات خشن غیر انسانی یا تحقیر کننده است علاوه بر این در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد^۲ دولت ها موظف به اعتلا و رعایت حقوق بشر و آزادیهای سیاسی گردیده اند و همچنین مستند به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

^۱ - کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی (۱۹۴۹-۱۹۲۹-۱۹۰۶-۱۸۶۴) پروتکل ها (۲۰۰۵-۱۹۰۷)

^۲ - منشور سازمان ملل متحد مصوب (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ برابر با ۵ تیر ۱۳۲۴ شمسی)

۱ و ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ که مقرر می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی قرار داد که سلب‌کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد دانست بخوبی به ممنوعیت شکنجه اشاره دارند و همچنین اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به حمایت از افراد شکنجه شده و یا مورد رفتار ظالمانه و غیرانسانی قرار گرفته‌اند پرداخته است.

اما جامع‌ترین سند بین‌المللی همان کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن ... مصوب ۱۹۸۴ می‌باشد که در ماده اول آن شکنجه را تعریف نموده که قبلاً به آن پرداختیم و در سایر موارد دولت راملزم به رعایت حقوق شهروندی و احترام از شکنجه نموده است در مواد (۲) و (۳) و (۴) و (۵) و (۸) و (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) به صراحت به ممنوعیت مطلق شکنجه پرداخته است.

۴- رویه مقابله با شکنجه در ساختار اداری و انتظامی قضایی ایران

مؤلفه شکنجه و یا همان آزار و اذیت بدنی رامی‌توان در فرآیند دادرسی و در مراحل رسیدگی و بازداشت و بازجویی و همچنین اجرای احکام مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد مراحل ذکر شده مرتبط با آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی است که در بخش‌های مختلف آن به حقوق متهمین، منظومین و تعقیب شونده‌گان و وظایف خطیر سازمان پلیس و دستگاه قضایی پرداخته شده است و بدون تردید یکی از اسناد مهم در تامین حقوق دفاعی متهمین در گذر از مراحل مختلف کشف جرم و رسیدگی و اجرای حکم می‌باشد.

آیین دادرسی کیفری فعلی قسمت اعظم آن فصل مشترک رسیدگی در مراجع عام دادگستری و مراجع خاص قضایی یا همان سازمان قضایی نیروهای مسلح است که باتصویب آن آیین دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۲۹۰ و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ نسخ گردید در فرازهایی از این قانون تسریع در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و حفظ کرامت و حیثیت متهمین مورد تاکید قرار گرفت است و علاوه بر آن به حاکمیت حقوق شهروندی در روند رسیدگی تاکید داشته است و ضابطان و مقامات قضایی و سایر افراد ذی‌مدخل در پروسه رسیدگی راملزم به اجرای مصوبات حقوق شهروندی نموده است.

در ماده ۶۰ ق.آ.د.ک مقرر گردیده است «در بازجویی اجبار یا اکراه یا متهم استفاده از کلمات موهن طرح سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهمین در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است معتبر نیست تاریخ و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم یا متهمین برسد»

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب (دهم دسامبر ۱۹۴۸ برابر ۱۹/۹/۱۳۲۷ شمسی)

۲- کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ برابر با ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی)

۳- اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۹ دسامبر ۱۹۷۵)

دراین ماده قانونی در حقیقت مصادیقی از شکنجه تحت عناوین اجبار و اکراه، تلقین، فریب، تحقیر، نامناسب بدون زمان بازجویی، طولانی بودن بازجویی و ممنوعیت ورود به موضوعات خارج از موضوع اتهام ذکر شده است بنظر می رسد مکان بازجویی و شرایط آن از نگاه قانونگذار مغفول مانده است زیرا این دو عنصر یعنی مکان و شرایط هم چنانچه مناسب نباشند می تواند مصداقی از آزار و اذیت جسمی و روحی باشند. (نگارنده)

از جمله ادله اثبات دعوی اقرار است که مهمترین دلیل بر اثبات بزهکاری متهم است که آیین دادرسی کیفری در خصوص ادله اثبات موضوع به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ ارجاع داده است که در مواد ۱۶۸ و ۱۶۹ اقرار حاصل از شکنجه و اکراه و اجبار و همچنین تحت آزار و اذیت روحی و جسمی رافاقد ارزش و اعتبار دانسته است که باتدقیق در این ماده مشاهده می شود که باخلاء قانونی از نظر مسئولیت کیفری اقرار ناشی از شکنجه و آزار روحی برای مرتکبین شکنجه مواجه هستیم بدین مفهوم که بایستی قانونگذار برای مرتکبین چنین اعمال خلاف قانون ضمانت حقوقی تعریف نماید که دیده نمی شود. (نگارنده)

ضابطین اعم از اعم و خاص (بنا به ماموریت) در صورت تخلف از وظایف قانونی و ارتکاب جرائمی همچون شکنجه تحت تعقیب انتظامی و قضایی قرار خواهند گرفت اعمال ضابطین تحت عنوان تخلف و جرم، قابل رسیدگی است و در خیلی از موارد نظریات مشورتی قوه قضاییه در بیان ابهام و تفسیر آیین نامه انضباطی و انطباق با موازین قانونی راهگشا و مثمر ثمره بوده اند که به نمونه هایی از آنها که مرتبط با موضوع رویه است می پردازیم

ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می دارد (هر نظامی که حین انجام وظیفه مرتکب جرایم ذیل گردد در هر مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود:

الف: چنانچه نسبت به مجروح یا بیماری آزار روحی یا صدمه بدنی وارد کند

ب: چنانچه اموال مجروح یا بیمار یا برده ای را تصاحب کند.

ج: چنانچه نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند در حالی که کمک رسانی از وظایف اوست از کمک خودداری کند

تبصره: در موارد فوق الذکر در صورتیکه که مورد از مصادیق قصاص یادیه نیز باشد یا مالی را تصاحب کرده باشد حسب مورد به قصاص، دیه، یا استرداد اموال نیز محکوم می گردد)

قانون گذار در مواد قبلی به ارتکاب جرم توسط نظامی در حین خدمت و در این ماده به ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه اشاره نموده است و معلوم نیست آیا این دو واژه را مترادف دانسته یا خیر چنانچه قائل به مترادف بودن این واژگان نباشیم باید در حین خدمت را اعم از در حین انجام وظیفه بدانیم و در نتیجه در حین خدمت یعنی نظامی در محل خدمت است هر چند ممکن است مشغول انجام وظیفه

خاصی نباشد (مالمیر، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

این ماده قانونی ارتباط مستقیم با قرارداد ۱۲ اوت ۱۹۴۹^۱ با موضوع بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران نیروهای مسلح و مواد ۲۷۲، ۲۷۳، ۷۵^۴ و ماده ۵۱۱۶^۵ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح دارد. تجزیه و تحلیل این ماده قانونی و تطبیق با مواد آیین نامه انضباطی که ذکر گردید ارتکاب رفتار خلاف شئون نظامی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بصورت آزار و اذیت و شکنجه حال نسبت به اسراء یا غیر نظامیان که در جنگ یادر مخاصمات و درگیری شرکت نداشته اند تخلف و جرم محسوب می‌گردد اینگونه رفتارها می‌تواند نسبت به برخورد با متهمین و دستگیر شدگان و یا مظنونین یا بازداشت شدگان صورت پذیرد هر دو نوع اعم از فعل (ایجابی) یا ترک فعل (سلبی) و حتی الفاظ موهن و تحقیر کننده و تزدیلی از مصادیق شکنجه و آزار و اذیت جسمی و روحی خواهد بود. (نگارنده)

با دقت در ماده ۵۳ و مواد آیین نامه انضباطی ارتکاب رفتارهای خلاف شئون نظامی که اصولاً خلاف شرع هم هستند دارای دو وصف تخلف و جرم و بعضاً بطور همزمان تخلف و جرم خواهد بود یعنی اینکه هرگونه خسارات جسمی یا بدنی یا روحی و یا حیثیتی ناشی از تحقیر، استهزا و کلاخلاف شان و شخصیت اشخاص بایستی برابر قانون جبران شود در اینجا هم قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام حاکم است (نگارنده) در ماده ۵۴ ق.م.ج.ن. مسلح (مصوب ۱۳۸۲) آمده است: هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌گردد.

سه مولفه بی احتیاطی (انجام فعل یا رفتار ممنوعه) و بی مبالاتی (ترک فعل یا عمل واجب) و عدم رعایت نظامات دولتی (نادیده گرفتن قوانین و مقررات و دستورالعملها و آیین نامه ها، بخشنامه ها) عناصر مادی جرم هستند که در ارتباط با امور خدمتی دیده می‌شود از مفهوم ماده چنین استنباط می‌گردد که رفتار

۱. هرگونه لطمه به حیات یا تمامیت بدنی، ایراد جرح، رفتار بی رحمانه، شکنجه، آزار و اذیت به لطمه به حیث کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگر قادر به جنگ نباشند در هر زمان و مکان ممنوع است

۲. با کلیه کسانی که در جنگ زخمی شده اند و از کار می‌افتند باید با انسانیت رفتار نموده و از بکار گماردن اسیران جنگی در منطقه رزم و یا رجوع کارهای خطرناک به آنان خودداری کند

۳. مجروحین و بیماران و مغرورین باید تحت مواظبت قرار گرفته و برای درمان آنان اقدام گردد

۴. پرسنل مجاز نیستند الف: دشمن را که تسلیم شده یا اسیر گردیده و یا با او قرار داد آتش بر گذارد شده است زیر آتش گرفته مجروح سازند یا با آزار و شکنجه از اسرا اطلاعات بیشتر غیر از درجه، نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شماره پرسنلی کسب نمایند اشخاص را بدون محاکمه در دادگاههای قانونی مجازات نمایند مگر در مورد تخلفات انضباطی

۵. موارد زیر تخلف محسوب می‌شود و با مرتکبین آنها تنبیهات انضباطی برابر جداول نوع تخلفات اعمال می‌گردد (شماره ۵۰۴) بدرفتاری نسبت به پرسنل جمعی عدم احساس مسئولیت و بی تفاوتی در خدمت، و عدم رعایت قوانین و مقررات و آیین نامه ها و بخشنامه ها و دستورالعملها و سایر دستورات و ارتکاب اعمال و رفتار برخلاف شرف نظامی که به موجب مقررات تعیین و ابلاغ می‌گردد و تظاهر به خلاف شرع بین

مجرمانه (شکنجه) می تواند در حالت مباشرت یا به تسبیب انجام گردد که در ماده ۱۵۲۶ و ماده ۱۵۹^۲ قانون مجازات اسلامی بصراحت به حالتهای فوق پرداخته شده است این رفتار می تواند وفق ماده ۱۱۶ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح مصداق رفتار خلاف شئون نظامی نیر محسوب گردد نظریه مشورتی قوه قضاییه نیز بر همین منوال است یعنی حادثه مستند به بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات باشد شخص ضامن است^۳

در ماده ۵۵۵ ق.م.ج.ن مسلح مقرر گردیده (هر نظامی که با اقدام خود برخلاف شئون نظامی به نحوی از انحاء موجبات مردم رانسبت به نیروهای مسلح فراعهم سازد به حبس از دو ماه تا یکسال محکوم می گردد نص ماده قانونی حکایت از رفتاری دارد که می تواند دارای وصف کیفری (جرم) یا بی انضباطی (تخلف) باشد که در هر دو مورد بنا به شرایط می توانیم شاهد مجازات قانونی یا برخورد انضباطی با مرتکبین باشیم این ماده ارتباط نزدیک با ماده ۱۳۶ همین قانون دارد که جهات مختلف جرم و تخلف را بیان نموده است

سنخیت ماده با بند م ماده ۱۱۶ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح مسلم و عنصر مشترک هر دو اقدام خلاف شئون نظامی است شاید بتوان گفت که این ماده هم منبعث از آیین نامه باشد زیرا در بحث تقدم و تاخر، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بعد از تصویب آیین نامه انضباطی مصوب گردیده است همانطوری که قبلا نیز گفته شد رفتارهای خلاف قانون در قالب دو عنوان جرم و تخلف شکل می گیرند نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه هم تایید کننده این دیدگاه است.^۴

وفق نظریه مشورتی نتیجه حاصله اگر موجب بدبینی نسبت به نیروهای مسلح باشد بزه تحقق یافته است هر چند که نوع عمل فاقد وصف جزایی یا کیفری باشد این جرم، جرم مقید است یعنی اینکه رفتار موجب بدبینی گردد و لازم نیست اثر بدبینی یا شاید همان واکنش اجتماعی دیده شود^۵

۱. هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان رفتار ارتكابی مسئول هستند در صورتیکه مباشر جنایت بی اختیار، جاهل، سغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب ضامن است.

۲. هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شد امر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شدند لکن ماموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است

۳. کسی که حادثه مستند به فعل او بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا تخلف از مقررات و نظام دولتی است ضامن پرداخت دیه است (نظریه مشورتی ۱۱۶۰/۷-۱۳۷۱/۱۱/۳)

۴. در صورتیکه عمل یا اعمال اشخاص نظامی با فرض داشتن سوء نیت اثرگذار بنحوی باشد که بتواند موجبات بدبینی نیروهای مسلح را در مردم بوجود آورد بزه تحقق یافته است هر چند که عمل یا اعمال ارتكابی فاقد جنبه جزایی باشد (نظریه مشورتی ۳۶۳۹/۷-۱۳۷۳/۷/۱۶)

۵. اعمال شخص نظامی باید اثر گذار باشد ولی لازم نیست اثر بدبینی هم حاصل گردد (نظریه مشورتی ۲۴۵۷/۷-۱۳۷۸/۶/۱۵)

عنصر معنوی جرم یعنی قصد عام که همان اراده بر رفتار ارتكابی است کافی به مقصود است و نیاز به سوء نیت خاص یعنی ورود ضرر به نیروهای مسلح نمی باشد ایجاد جو بدبینی واژه ای عام است که قدری با تفسیر مضیق قوانین کیفری در تعارض است زیرا این واژه قابل تسری به هر نوع اقدامی است که دربرگیرنده موارد و مصداقهای فراوانی است که با اصول کلی حقوق جزا خیلی سنخیت ندارد در توضیحات تکمیلی می توان گفت این جرم مقید است یعنی باعث بدبینی شود و اشاره قانونگذار به اقدام است که قدری ابهام دارد یعنی از ظاهر ماده رفتار یا فعل مدنظر است ولی به نظرمی تواند شامل اظهارات و گفتار و حتی حرکات خلاف شئون نظامی هم باشد (نگارنده) بعنوان نمونه از جمله می توان تفتیش بازرسی خودروها که اموال شخص هستند را ذکر نمود که دیوان عدالت اداری با صدور رای، بخشنامه نیروی انتظامی را در مورد بازرسی خودروها که خلاف قانون بوده است ابطال نموده است^۱ و مستند به اصل ۲۲ قانون اساسی نیز نظریه مشورتی و اداره حقوقی قوه قضاییه هم دلالت بر بازرسی و تفتیش خودروها با مجوز قضایی دارد.^۲

در ماده ۱۳۶ ق.م.ج.ن. مسلح که مرتبط با موضوع است چنین بیان شده است «هرگاه جرایم ارتكابی کارکنان نیروهای مسلح جنبه تخلف انضباطی نیز داشته باشد رسیدگی به تخلف از نظر انضباطی توسط فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح انجام می شود و این موضوع مانع رسیدگی به جرم در مرجع قضایی نخواهد بود و فرماندهان مکلفند مراتب وقوع جرم را به مرجع قضایی اعلام نمایند.

صدور رای برائت یا منع تعقیب مانعی برای رسیدگی به تخلف نمی باشد و صرف رسیدگی به تخلف مانع رسیدگی به جنبه کیفری توسط مرجع قضایی نمی باشد پس برخورد با چنین رفتاری می تواند تنبیهات انضباطی و صدور حکم قضایی رادری داشته باشد ضرورت دارد به قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص نظری داشته باشیم.^۳

در تبصره ۱ ماده ۱۲۴ ق.ن. انتظامی آمده است (در مواردی که تخلف انضباطی کارکنان نیروی انتظامی دارای عناوین مجرمانه نیز باشد به عنوان جرم توسط مرجع قضایی رسیدگی و در صورت محکومیت رسیدگی به عنوان تخلف انضباطی متفی خواهد شد در غیر این صورت صدور قرار منع تعقیب یارای برائت از سوی مرجع قضایی مانع از رسیدگی به نصوص تحت عنوان انضباطی نخواهد بود به هر حال رسیدگی به یک تخلف تحت دو عنوان جرم و تخلف انضباطی بطور همزمان ممنوع است

بطور اختصار می توان گفت که علی رغم عدم تعریف قانونگذار از جرم شکنجه یا آزار و اذیت جسمی و روحی مستندات کافی اداری و انتظامی در سازمان پلیس بعنوان ضابط دستگاہ قضایی (عام و خاص) در برخورد با اعمال ارتكابی اعضای نیروهای مسلح که مصداق شکنجه باشد دیده می شود و می

^۱ رای ۱/۱۷۹/۰۱/۴۰۲-۱۱/۴/۱۳۷۹ دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بخشنامه ناجا در بازرسی خودروها با مجوز قضایی

^۲ نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه ۱۳۶۵/۴/۷-۷/۲۳۱۷ مبنی بر بازرسی خودروها با مجوز قضایی

^۳ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۳

توان پذیرفت که مستندات اداری و انتظامی هم همسو با موازین قانونی بوده و تفاوت آنچنانی دیده نمی شود.

ضمانتهای انتظامی و قضایی با وجود مستندات و نصوص قانونی در خصوص مرتکبین شکنجه موجود و جای هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد از طرفی هم آنچه که بعنوان ماحصل فرآیند رسیدگی به جرم در سازمان پلیس یا دستگاه قضایی اگر مطابق قانون و اصل اختیار اراده و قصد نباشد اعتبار قانونی نداشته است و قابل اعتنا نمی باشد و به راحتی میتوان مصادیق شکنجه را که در قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ بیان شده است و تمثیلی هستند بعنوان استنادات قانونی در تعیین رفتارها خلاف کرامت و شئون انسانی ذکر نمود در کل اگر قانونگذار با تعمق بیشتری به تعریف شکنجه و ضمانتهای حقوقی آن در رفع خلاء ناشی از تطابق اصل ۳۸ قانون اساسی (مصادیق عام شکنجه) بعنوان قانون مادر با سایر قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۹) و آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) اهتمام و رود شاهد مصوبات روشن و واضح و بدون ابهام در این مقوله خواهیم بود.

۵- دلایل توسل به شکنجه توسط دولت ها

جرم شکنجه که موضوع تحقیق است از جمله جرائم خاص ماموران دولت یا بهتر بگوییم ماموران حاکمیت است.

سوال اول این است: که در روند رسیدگی به اتهامات از مرحله دستگیری و بازداشت خواه به دلایل امنیتی یا روند عادی قضایی در برخورد با متهمین چه عواملی باعث می شود که ماموران بازجویی یا دیگر اشخاص در پروسه رسیدگی قانون را نادیده بگیرند و مرتکب شکنجه متهمین شوند؟
سوال دوم این است: که چرا دولت ها و ماموران آنها به شکنجه متوسل می شوند و اینکه در دوره ی معاصر چرا حاکمیت ها با وجود تکامل و توسعه حقوق انسانی به این شیوه رفتار خلاف شئون بشری و مغایر با ارزش و منزلت بشر متوسل می شدند؟

دولت که خود بایستی پاسدار حقوق و حریم افراد و به ویژه متهمان باشد بعضاً از رسالت و موازین قانونی تخطی می نماید. بدینگونه که در فرایند قانون گذاری و یا در اجرای قانون اهمال و مسامحه می نمایند مانند اینکه قانونی جامع و مانع در این خصوص تصویب نگردد و یا اینکه با وجود قانون ابهامات و ایراداتی دیده شود. و یا اینکه در رسیدگی به جرائم از موازین و ابزار علمی استفاده نمایند. و یا در پروسه کشف و رسیدگی نهادهای نظارت و سلامت قضایی تاسیس نگردیده باشند. و عدم وجود این موارد را می توان زحمه ساز ارتکاب این جرم دانست. نقض حقوق اغلب مستلزم تحمیل است و منظور از تحمیل رفتاری است که با پذیرنده عمل به جای شخصی از او مستقل که پسند هایش سزاوار احترام است همچون ابزاری برای دستیابی به هدف خویش استفاده می کنند و معمولاً با محدود ساختن یا مهار توانایی قربانی برای انجام آنچه میخواهد به هدف خود می رسد. توسل به قدرت جسمی، تهدید، اجبار، سواستفاده عاطفی، دروغگویی و سایر شکل های فریب برخی از اقدامات تحمیل گرانه هستند و رفتار

غیراخلاقی ناقضان حقوق باعث می شود که دیگر نتوانند توقع مشروع رفتار احترام امیز از سوی دیگران را داشته باشند (خاکباز، افشین، ۱۳۹۷، صفحه ۳۰)

دلایل عمده و توجیحات غیر معقول فراوانی در این خصوص وجود دارد که در نظام های قضایی مشاهده می گردد اما بطور اخص در نظام قضایی جمهوری اسلامی باینکه اصل بر ممنوعیت شکنجه است اما باز هم شاهد نقض این اصل بنیادی و آمره هستیم که بخشی ناشی از عدم تجهیزات مناسب و آموزش های سازمانی هستند و بخشی نیز به عدم نظارت و کنترل بر اقدامات ضابطین و عدم شناخت و بی توجهی مامورین به موازین حقوق بشر بر میگردد. در خصوص چرایی شکنجه - اصرار بر شکنجه و مسامحه و شکل گیری شکنجه در نگرش به رفتار دولت ها سه مدل دیده شده است.

الف) مدل امنیت ملی ب: مدل امنیت داخلی پ: مدل قضایی^۱ که این موارد مورد بحث نیستند ولی رفتار مرتکبین در حوزه مرتکبین جرم شکنجه می تواند تا حدودی با یکی از مدل های اشاره شده تطابق داشته باشد که در اینجا چرایی موضوع چه در سطح دولت ها و چه در محدوده فرآیند رسیدگی و کشف جرم می تواند باینکه از مدل های اشاره شد قابل توجیه باشد. دولت ها هم مرتکب جرم می شوند. از جمله این جرائم جرم شکنجه است که می توانیم آن را خشونت نام شروع بدانیم. در حقیقت بحث جرم دولتی یا ایده جرم دولتی مهم است که در خیلی از کشور ها و در کشور ما نیز رخ داده است.

معیار تشخیص جرم دولتی یا قوانین داخلی است یا قوانین و اسناد بین المللی می باشد و لذا در دنیای معاصر اراده خود سرانه دولت ها نمی تواند تعریف جرم را در انحصار خود قرار دهد. دلایل توجیعی دولت هادر ارتکاب جرم شکنجه به بهانه حفظ امنیت داخلی یا امنیت خارجی میباشد. و یا ممکن است در روند قضایی برای کسب اقرار یا اطلاعات صورت بگیرد. در هر صورت این دلایل توجیعی نمی تواند مجوزی برای استثناء قرارداد دولت هادر معافیت از جرم شکنجه باشد.

۶- نتیجه گیری

تحولات زندگی اجتماعی در عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی از جهت رشد علمی و تکاملی در جهت تعالی بشر در طول تاریخ عرصه های مختلفی را در خود دیده که می توان گفت مخاطب اصلی این تغییرات بشر و دستاوردهایی است که در راستای تامین منافع، رفاه، آسایش بطور عام تامین حقوق بشری صورت پذیرفته است دوره حاکمیت مطلق و مصونیت دولت ها در قبال عدم پاسخگویی به مطالبات مردم در اثر نهضت های فکری و روشنفکری به سر رسید و رسالت حاکم بر حاکمیت ها، احترام به مبانی حقوق بشری است که روز به روز بر اهمیت و جایگاه آن تاکید و مورد حمایت قرار می گیرد علی الرغم این توسعه متأسفانه شاهد نقض حقوق شهروندی و ارتکاب جرایمی

¹ Erin M. Moherns (2011) The study of torture, why it persists, why perceptions of it are malleable, and why isis Difficult to Eradicate Erin M. kearns, Department. Of jussic law and eriminology. Americamuniversity published. 25 December 20 1H

هستیم که توسط مامورین منتصب به دولت صورت می پذیرد که یکی از این اعمال ارتکاب شکنجه است که می توان عنوان درست آن را شکنجه دولتی بواسطه وابستگی مرتکبین به دولت دانست. شکنجه از زشت ترین رفتارهای مجرمانه علیه بشریت و ناقض کرامت، حیثیت و شأن بشر است که هیچگونه توجیه قانونی، اخلاقی، انسانی و اجتماعی نداشته است و در قوانین داخلی و بین المللی اصل بر ممنوعیت مطلق این جرم است تا ماموران نتوانند با سلب اراده متهمین همچون ابزاری از آنان برای رسیدن به اهداف خود استفاده نمایند لذا قاعده منع شکنجه رامی توان از قواعد امره دانست که استثناء ناپذیر است که در دو حوزه دولتی (جرم خاص دولت ها) و در حوزه رفتار مأمورین دولتی نیازمند بررسی موشکافانه است آنچه مورد توجه و موضوع این نگارش است شق دوم یعنی نحراف مأمورین دولتی و خروج آنها از موازین حقوق شهروندی است علل و عوامل مختلفی در بروز این رفتار غیرقانونی و غیر مشروع موثر هستند که بطور خلاصه می توان گفت درد و بخش مهم قابل بررسی هستند ۱- بخش تقنینی از جنبه های مختلف تعریف موضوع، یکنواختی قوانین احصاء مصادیق و یکسانی قوانین داخلی با کنوانسیونهای بین المللی، رفع خلاءهای قانونی و شفاف سازی قوانین ... ۲- بخش ساختاری، آموزشهای بنیادی و اساسی مأمورین و تجهیز نهادهای کشف جرم و رسیدگی قضایی و استفاده از ابزار و وسایل مدرن تحقیق و بازجویی و همچنین بحث نظارت و کنترل شرایط بازجویی، پیش بینی نهادی پزشکی تحت عنوان نهاد معاینه قضایی با بررسی بهداشت و سلامتی افراد ذمیمدخل در فرآیند رسیدگی با اولویت دادن حقوق اساسی شهروندان در روند رسیدگی بر هر نوع حق یا حقوق قابل تصور دیگر در پیشگیری از شکنجه یا کاهش آن بسیار تاثیر گذار هستند بنابراین اتخاذ سیاست جنایی متناسب با موضوعات ذکر شد در مقابله با این پدیده غیر انسانی (شکنجه) لازم و ضروری میباشد.

سیاست جنایی نظام کیفری ایران منبعت از موازین اسلامی قایل به ممنوعیت مطلق شکنجه بوده است که در قوانین اساسی، عادی- حقوق شهروندی آیین دادرسی کیفری به آنها اشاره شده است سیاست تقنینی بکار گرفته شده نیز در این راستاست اما ایرادات و اشکالاتی مشهود است که نمی توان در رویه قضایی کارآمد تری را در عمل نشان دهد. سیاست تقنینی تنها بر معیار مجازات و بدون ذکر تعریفی مشخص از موضوع نهادینه شده است. در واقع مجازات در سیاست جنایی برخورد با شکنجه حالت پیشگیرانه تلقی شده است ولی دو مؤلفه مهم یعنی عدم تسریع شکنجه به مجازات های سخت مانند تعزیر بنابه مواضع فقهی باعث عدم انطباق قوانین داخلی با قوانین بین المللی و در حقیقت ایجاد خلاء در این زمینه است که توفیق در این زمینه مستلزم آموزش کافی به ضابطین و به روز بودن امکانات و تجهیزات و فنون بازجویی و همچنین ایجاد نهادی چون بخش سلامت قضایی جهت کنترل و نظارت در فرآیند رسیدگی و نحوه ی برخورد با اصحاب دعوی و شهود و مطلعین می باشد از جمله عناصر مهم برای برون رفت از خلاء های موجود رامی توان تغییرات اساسی در شیوه قانون گذاری تفکیک مجازات های قانونی از موضوع شکنجه آموزش و بکارگیری روش ها و فنون علمی تحقیق دانست.

منابع

فهرست منابع فارسی:

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، اندیشه ها، انتشارات اشراق جلد چهارم، ۱۳۷۹.
- احمدی، ابراهیم، حاجی آبادی، احمد؛ صمیمیان جلال الدین. مجله حقوقی دادگستری سال هفتاد و نهم شماره ۹۰. تابستان ۱۳۹۴.
- اسحاق، سیدجعفر، شیدائیان. مهدی؛ رجایی؛ زهرا؛ پیشگیری وضعی تقنینی از جرم شکنجه فصلنامه پژوهش حقوق کیفری سال هشتم شماره بیست و پنجم زمستان ۱۳۹۷
- جعفری نیا، مهدی، پورا احمدی حسین، قدرت نرم ازدیدگاه اسلام و کاربرد مولفه های آن در جمهوری اسلامی ایران نشریه مطالعات قدرت نرم و فصلنامه علمی و پژوهشی سازمان بسیج اساتید سال دوم شماره هشتم بهار و تابستان ۱۳۹۲
- حاجی ده آبادی، احمد، احمدی، ابراهیم، مصصامی جلال الدین. تبیین مبانی و نقد سیاست کیفری ایران در زمینه منع شکنجه حقوقی دادگستری سال هفتاد و نهم شماره ۹۰ تابستان ۱۳۹۴.
- حاجی ده آبادی. احمد؛ ناتری. محمد ابراهیم؛ گل خندان. سمیرا، مطالعه جرم شناختی روانی مرتکبین جرایم علیه بشریت. مجله علمی پژوهشی، شماره ۱۶ پاییز ۱۳۹۵.
- خاکباز، افشین اخلاق بازجویی (ترجمه) مایکل اسکرکر، تهران، انتشارات آسیم چاپ اول، ۱۳۹۷.
- خاقانی اصفهانی، مهدی؛ حاجی ده آبادی. محمد علی؛ تنش میان قرائت ایدئولوژیک از فقه جزایی با مقاصد عدالت کیفری اسلامی، مانعی در تدوین الگوی اسلامی ایرانی «سیاست جنایی» پژوهش های فقهی دوره ۱۲ شماره ۳ پاییز ۱۳۹۵.
- دانش وری، حمیدرضا؛ جامعه شناسی شکنجه مارتاکی هاگینز انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ۱۳۸۱
- شیدائیان، مهدی؛ اسحاقی، سید جعفر؛ رجایی. زهرا، پیشگیری وضعی تقنینی از جرم شکنجه. مجله پژوهش حقوق کیفری سال هفتم شماره بیست و پنجم زمستان ۱۳۹۷.
- صادقی، محمد هادی؛ جرم شکنجه در حقوق ایران مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز دوره نوزدهم شماره اول زمستان ۱۳۸۱.
- گری گار تینگ جواز اخلاقی شکنجه نیویورک تایمز شماره ۲ فروردین ۱۳۹۴.
- ماولانی. اسماعیل با تقریرات حقوق جزای عمومی دانشگاه آزاد تهران ۱۳۹۰
- مالمیر. محمود؛ شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح. نشر دادگستر ۱۳۸۳
- نجفی ابرند آبادی؛ نظام های بزرگ سیاست جنائی (می ری دل ماس مارتی) ترجمه نشر میزان ۱۳۹۳
- یزدانیان، محمد رضا شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح داری شماره ۵۵ سال ۱۳۸۵.

آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.

اعلامیه جهانی حقوقی بشر مصوب دوم دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مصوب ۱۹۹۸

فرهنگ فارس دانش. زعفرانچی، مسعود؛ آموزگار. دانش؛ تهران انتشارات صفارچاپ اول ۱۳۷۰

دانشنامه آزاد. شکنجه دولتی ویکی پدیا [wikipedia\(https://fawilihipedia.org/wikhi\)](https://fawilihipedia.org/wikhi)

فرهنگ معین جلد اول

فرهنگ لغت دهخدا

قرآن کریم ترجمه. توضیحات. واژه نامه. بها الدین خرمشاهی. انتشارات دوستان سال ۱۳۸۶

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۱ با اصلاحات بعدی ۱۳۹۹.

قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده با اصلاحات بعدی ۱۳۹۹

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱/۲/۱۸

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۶ با اصلاحات بعدی (۱۳۹۴)

قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۳

کنوانسیونهای چهارگانه ژنو با پروتکل های الحاقی (۵-۲-۱۹۴۹)

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ برابر ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی

منشور سازمان ملل متحد مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ برابر ۵ تیر ۱۳۲۴ شمسی

منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ماه ۱۳۹۵.

رای ۱/۱۷۹/۰۱/۴۰۲-۱۱/۴/۱۳۷۹ دیوان عدالت اداری، مبنی بر ابطال بخشنامه نیروی انتظامی در

خصوص بازرسی خودروها بدون مجوز قانونی

نظریه مشورتی ۱۱۱۶۰/۷-۱۳۷۱/۱۱/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه در امور ماده ۵۴ ق.ج.م.ن مسلح

نظریه مشورتی ۳۶۳۹/۷-۱۳۳/۷/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص ماده ۵۵ ق.ج.م.ن مسلح

جمهوری اسلامی ایران

نظریه مشورتی ۲۴۵۷/۷-۱۳۷۸/۶/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص ماده ۵۵ ق.ج.م.ن مسلح

جمهوری اسلامی ایران

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه ۱۳۶۵/۴/۷-۷/۲۳۱۷ (بازرسی خودروها)

منابع انگلیسی:

Erin M.Mohearns.(2011)The study of Torture why It persists why perception of it Are Malleable. Ans Why It is difficult To Eradicate.

- Department of Justice Law and Criminology, published American University 25 December
- senate investigator Daniel Gonsky Interview with BBC World Service on Torture March 3, 2020
- Longman Dictionary of Contemporary English (1998), published Longman Group
- Torture in International Law: A Guide to Juris Precedence jointly published in 2008 by the Association for the Prevention of Torture (APT) and the Center for Justice and International Law (CEJIL)